

## درس ششم: پرورده عشق

### شد چون مه لیلی آسمان گیر

### ۱. چون رایت عشق آن جهانگیر

**قلمرو زبانی:** چون در مصراع اول: وقتی که / \*رایت: بیرق، پرچم، درفش / جهانگیر: گیرنده عالم، فتح کننده دنیا / چون در مصراع دوم: مانند / مه: مخفف ماه / بیت: یک جمله به شیوه بلاغی / رایت: نقش نهاد / مه: نقش متمم / آسمان گیر: نقش مسند.

**قلمرو ادبی:** رایت عشق: اضافه تشبیهی / جهانگیر: کنایه از مجنون / آسمان گیر شدن: کنایه از مشهور شدن و اغراق / مه: استعاره از چهره / مه و آسمان: تناسب / چون و چون: جناس تام / لیلی: ایهام تناسب: ۱. لیلی خانم (√) ۲. یک شب (X) که با ماه و آسمان تناسب دارد / رایت عشق مانند مه لیلی: تشبیه. **قلمرو فکری:** وقتی شهرت و آوازه عشق مجنون مانند چهره زیبای لیلی در جهان پیچید ...

### در شیفتگی تمام تر گشت

### ۲. هر روز خنیده نام تر گشت

**قلمرو زبانی:** \*خنیده: مشهور، معروف، نامدار؛ خنیده نام تر گشتن: مشهور تر شدن، پُر آوازه تر گردیدن / شیفتگی: دل باختگی، عاشقی / تمام تر: کامل تر **قلمرو ادبی:** خنیده نام تر گشتن: کنایه از مشهور تر شدن. **قلمرو فکری:** مجنون هر روز معروف تر می شد و عشق و دل باختگی اش نسبت به لیلی افزایش می یافت.

### درماند پدر به کار او سخت

### ۳. برداشته دل ز کار او بخت

**قلمرو زبانی:** بخت: اقبال / درماند: ناتوان شد، عاجز گشت / سخت: به شدت / بیت: دو جمله / بخت و پدر: نقش نهاد / سخت: نقش قید. **قلمرو ادبی:** دل برداشتن: کنایه از ناامید شدن / درماندن: کنایه از ناتوان شدن / بخت و سخت: جناس ناقص اختلافی / بخت از کاری دل بردارد: تشخیص و استعاره / کار در مصراع دوم: استعاره از عشق / مصراع اول: کنایه از بدشانسی. **قلمرو فکری:** شانس و اقبال از مجنون روی برگرداند و پدرش در حل مشکل او، بسیار ناتوان و ناامید شده بود.

### هر یک شده چاره ساز با او

### ۴. خویشان همه در نیاز با او

**قلمرو زبانی:** \*خویشان: جمع خویش، اقوام / چاره ساز: چاره اندیش، مشکل حل کننده / بیت: یک جمله به شیوه بلاغی / همه: نقش بدل. **قلمرو ادبی:** در نیاز بودن: کنایه از محبت و همدردی و دلسوزی. **قلمرو فکری:** همه اقوام، برای حل مشکل او، به چاره اندیشی پرداختند.

### در چاره گری زبان کشیدند

### ۵. بیچارگی ورا چو دیدند

**قلمرو زبانی:** بیچارگی: درماندگی / ورا: وی را، او را (منظور پدر مجنون) / \*چاره گری: تدبیر، مصلحت اندیشی / بیت: دو جمله / بیچارگی: مفعول. **قلمرو ادبی:** زبان کشیدن: کنایه از سخن گفتن و شروع به حرف زدن کردن / بیچارگی و چاره گری: مراعات نظیر. **قلمرو فکری:** وقتی درماندگی پدر مجنون را مشاهده کردند، برای چاره جویی به گفتگو پرداختند.

### کز کعبه گشاده گردد این در

### ۶. گفتند به اتفاق یک سر

**قلمرو زبانی:** به اتفاق: همگی / یک سر: همگی / این در: این مشکل / بیت: دو جمله / به اتفاق و یک سر: نقش قید و رابطه ترادف / در: نهاد. **قلمرو ادبی:** در: استعاره از مشکل عشق مجنون / کعبه: مجاز از زیارت خانه کعبه / گشوده شدن در: کنایه از حل مشکل / واج آرای «د». **قلمرو فکری:** همگی به این نتیجه رسیدند که این مشکل فقط با زیارت خانه خدا حل می شود.

### محراب زمین و آسمان اوست

### ۷. حاجت گه جمله جهان اوست

**قلمرو زبانی:** حاجت گه: محل برآورده شدن حاجت و نیاز / \*جمله: همه، سراسر / محراب: قبله گاه، جای ایستادن پیش نماز در مسجد / بیت: دو جمله. **قلمرو ادبی:** جهان: مجاز از موجودات جهان / زمین و آسمان: تضاد و تناسب و مجاز از موجودات زمینی و آسمانی / واج آرای «ج». **قلمرو فکری:** خانه خدا محل برآورده شدن نیاز همه مردم جهان و قبله گاه اهل زمین و آسمان است.

### اُشتر طلبید و محمل آراست

### ۸. چون موسم حج رسید، برخاست

**قلمرو زبانی:** \*موسم: زمان، هنگام / برخاست: بلند شد / اُشتر: شتر / \*محمل: کجاوه که بر شتر بندند، مهد / آراست: آماده کرد / بیت: چهار جمله **قلمرو ادبی:** مصراع دوم: کنایه از آماده شدن / محمل و اشتر: مراعات نظیر (تناسب). **قلمرو فکری:** وقتی زمان حج فرارسید، پدر مجنون شتری آماده کرد و کجاوه ای بر روی آن قرار داد.

## ۹. فرزند عزیز را به صد جهد

### نشانند چو ماه در یکی مهد

**قلمرو زبانی:** \*جهد: کوشش، تلاش، سعی / مهد: کجاوه، محمل / بیت: یک جمله / فرزند: نقش مفعول / ماه: نقش متمم / عزیز: نقش صفت.  
**قلمرو ادبی:** فرزند مانند ماه: تشبیه / مهد و جهد: جناس ناقص اختلافی / صد: نماد کثرت، مجاز از زیادی و اغراق / واج آرای «د».  
**قلمرو فکری:** پدرِ مجنون با تلاش فراوان، فرزند عزیزش را که مثل ماه زیبا بود، در کجاوه نشانند.

### چون کعبه نهاد حلقه در گوش

## ۱۰. آمد سوی کعبه، سینه پر جوش

**قلمرو زبانی:** سینه پر جوش: با دلی دردمند / حلقه: گوشواره بردگی غلامان و کنیزان / بیت: دو جمله / حلقه: نقش مفعول.  
**قلمرو ادبی:** سینه: مجاز از دل و تمام وجود / سینه پر جوش: کنایه از دردمند / حلقه در گوش: کنایه از بندگی کسی را کردن / حلقه به گوش بودن کعبه: تشخیص و استعاره / حلقه: ایهام: ۱. حلقه در خانه کعبه ۲. حلقه بندگی غلامان / پدر مجنون مانند کعبه - کعبه مانند غلام: تشبیه  
**قلمرو فکری:** پدر مجنون با دلی پر از درد به سوی خانه خدا آمد و به خدا متوسل شد.

### بشتاب که جای چاره‌سازی است

## ۱۱. گفت: «ای پسر، این نه جای بازی است»

**قلمرو زبانی:** جای بازی: جایی کوچک و بی‌ارزش / چاره‌سازی: چاره‌اندیشی / بیت: پنج جمله / این: منظور کعبه / پسر: نقش منادا.  
**قلمرو فکری:** پدر مجنون به پسرش گفت: ای پسر! اینجا، جای تفریح و بازی نیست. عجله کن که جایگاه درمان تو همین جاست.

### توفیق دهم به رستگاری

## ۱۲. گو، یارب از این گزاف کاری

**قلمرو زبانی:** \*گزاف کاری: زیاده‌روی، بیهوده کاری / بیت: سه جمله / رب: نقش منادا / توفیق: نقش مفعول / «م» در دهم: مفعول یا مضاف‌الیه.  
**قلمرو ادبی:** گزاف کاری: کنایه از عشق و عاشقی / رب و توفیق و رستگاری: مراعات نظیر (تناسب).  
**قلمرو فکری:** بگو: خدایا! توفیق بده که از این کار بیهوده (عاشق لیلی بودن) رها شوم و به سعادت برسم.

### آزاد کن از بلای عشقم»

## ۱۳. دریاب که مبتلای عشقم

**قلمرو زبانی:** دریاب: به من کمک کن / مبتلا: گرفتار، اسیر / بیت: سه جمله / مبتلا و آزاد: نقش مسند / عشق: نقش مضاف‌الیه / «م» در مصراع اول فعل اسنادی به معنای «هستم» / «م» در مصراع دوم نقش مفعول دارد (مرا آزاد کن).  
**قلمرو ادبی:** بلای عشق: اضافه تشبیهی / مبتلا و آزاد: تضاد.  
**قلمرو فکری:** بگو خدایا گرفتار عشق هستم، با عنایت و لطف خودت مرا از این بلا رها کن.

### اول بگریست، پس بخندید

## ۱۴. مجنون چو حدیث عشق بشنید

**قلمرو زبانی:** چو: وقتی که / حدیث: سخن / پس: سپس، بعد / بیت: سه جمله به شیوه عادی / حدیث: نقش مفعول / عشق: نقش مضاف‌الیه.  
**قلمرو ادبی:** گریست و خندید: تضاد و تناسب / حدیث و بشنید - مجنون و عشق: مراعات نظیر (تناسب).  
**قلمرو فکری:** مجنون وقتی سخن عشق را شنید، اول گریه کرد و سپس خندید.

### در حلقه زلف کعبه زد دست

## ۱۵. از جای چو مار حلقه بر جست

**قلمرو زبانی:** چو: مانند / مار حلقه: مار حلقه زده / بر جست: پرید / بیت: دو جمله / حلقه در مصراع اول: نقش صفت / حلقه در مصراع دوم: نقش متمم.  
**قلمرو ادبی:** مجنون مانند مار حلقه زده: تشبیه / زلف کعبه: اضافه استعاری و تشخیص / دست: مجاز از پنجه دست / حلقه و حلقه: جناس تام / دست در حلقه زدن: کنایه از پناه بردن و متوسل شدن / مار و حلقه - در و حلقه - زلف و دست: مراعات نظیر (تناسب).  
**قلمرو فکری:** مجنون مثل مار حلقه زده که از جای خود می‌جهد، به سرعت برخاست و به حلقه در کعبه متوسل شد.

### کامروز منم چو حلقه بر در

## ۱۶. می‌گفت، گرفته حلقه در بر

**قلمرو زبانی:** در بر: در آغوش / کامروز: مخفف که امروز / بیت: دو جمله / حلقه در بر و امروز: نقش قید / چو حلقه بر در: نقش مسند.  
**قلمرو ادبی:** من مانند حلقه بر در هستم: تشبیه / بر (آغوش) و بر (حرف اضافه): جناس تام / در (حرف اضافه) و در (در خانه): جناس تام / حلقه در بر گرفتن: کنایه از توسل / در و بر: جناس ناقص اختلافی / حلقه: آرایه تکرار.

**قلمرو فکری:** مجنون در حالی که حلقه در خانه کعبه را در آغوش گرفته بود، می‌گفت: امروز من مانند این حلقه به تو متوسل شده‌ام.

### این نیست طریق آشنایی

## ۱۷. گویند ز عشق کن جدایی

**قلمرو زبانی:** طریق: راه و رسم، روش / این: منظور جدایی کردن از عشق / آشنایی: دوستی / بیت: سه جمله / جدایی: مفعول / طریق: مسند.  
**قلمرو ادبی:** عشق و جدایی و آشنایی: مراعات نظیر (تناسب) / آشنایی و جدایی: تضاد / آشنایی: مجاز از عشق / عشق: مجاز از لیلی.  
**قلمرو فکری:** خدایا! به من می‌گویند: از عشق (لیلی) دوری کن! اما این راه و رسم عاشقی و دوستی نیست.

## ۱۸. پروردهٔ عشق شد سرشتم

**قلمرو زبانی:** \*پرورده: پرورش یافته / \*سرشت: فطرت، آفرینش، طبع/مباد: فعل دعایی به معنای امیدوارم نباشد/بیت: دو جمله/«م-م»: نقش م‌الیه.  
**قلمرو ادبی:** پروردهٔ عشق: اضافهٔ استعاری و تشخیص / سرشت: مجاز از وجود و ذات / واج آرای «ش».  
**قلمرو فکری:** ذات و وجود من با عشق پرورش یافته است و به جز عشق و عاشقی نمی‌خواهم سرنوشتی داشته باشم.

## وانگه به کمال پادشاییت

## ۱۹. یارب، به خدایی خدایت

**قلمرو زبانی:** به: حرف اضافه به معنای قسم و سوگند / وانگه: مخفف و آن‌گاه / بیت: سه جمله / «ت-ت» در هر دو مصراع: نقش مضاف‌الیه / رب: منادا / حذف فعل «قسم می‌دهم» به قرینهٔ معنایی در جملات دوم و سوم.  
**قلمرو فکری:** خدایا! تو را به خداوندی‌ات و به عظمت و بزرگی‌ات قسم می‌دهم ...

## کاو مانند اگر چه من نمانم

## ۲۰. کز عشق به غایتی رسانم

**قلمرو زبانی:** \*غایت: پایان، فرجام، نهایت / کز: مخفف که از / کاو: مخفف که او (منظور لیلی) / من: منظور مجنون / بیت: سه جمله / «م-م» در رسانم: نقش مفعول (مرا برسان) / «م-م» در نمانم: شناسهٔ فعل / عشق و غایت: نقش متمم.  
**قلمرو ادبی:** مانند و نمانم: تضاد و اشتقاق / واج آرای «م».  
**قلمرو فکری:** مرا در عشق به مرحله‌ای برسان که لیلی زنده بماند؛ اگر چه من زنده نباشم.

## عاشق تر ازین کنم که هستم

## ۲۱. گرچه ز شراب عشق مستم

**قلمرو زبانی:** بیت: سه جمله / مست و عاشق‌تر: نقش مسند / «م-م» در مستم: فعل اسنادی «هستم» / «م-م» در کنم: نقش مفعول (مرا عاشق‌تر کن).  
**قلمرو ادبی:** شراب عشق: اضافهٔ تشبیهی / مستم و هستم: جناس ناقص اختلافی / عشق و عاشق: تناسب و اشتقاق / شراب و مست: تناسب.  
**قلمرو فکری:** خدایا! هرچند وجودم از عشق سرشار است؛ اما مرا از این هم عاشق‌تر و سرمست‌تر کن.

## بستان و به عمر لیلی افزای

## ۲۲. از عمر من آنچه هست بر جای

**قلمرو زبانی:** برجای: باقی / بستان: بگیر / افزای: اضافه کن / بیت: سه جمله / عمر در هر دو مصراع: نقش متمم / من و لیلی: نقش مضاف‌الیه.  
**قلمرو ادبی:** عمر: آرایهٔ تکرار.  
**قلمرو فکری:** خدایا! هرچه از عمر من باقی مانده، بگیر و به عمر لیلی اضافه کن.

## کاین قصه شنید، گشت خاموش

## ۲۳. می‌داشت پدر به سوی او گوش

**قلمرو زبانی:** گوش می‌داشت: گوش می‌کرد، می‌شنید / خاموش: ساکت / کاین: مخفف که این / بیت: سه جمله / قصه: مفعول/خاموش: مسند.  
**قلمرو ادبی:** سوی کسی گوش داشتن: کنایه از شنیدن/خاموش گشتن: کنایه از سکوت/واج آرای «ش»/قصه: استعاره از راز و نیاز عاشقانهٔ مجنون  
**قلمرو فکری:** پدر به سخنان مجنون گوش می‌داد. وقتی راز و نیاز عاشقانهٔ او را شنید، ساکت شد و دیگر سخنی نگفت.

## دردی نه دواپذیر دارد

## ۲۴. دانست که دل، اسیر دارد

**قلمرو زبانی:** دانست: فهمید، آگاه شد / اسیر: گرفتار / نه دواپذیر: درمان‌ناپذیر / بیت: سه جمله / دل و درد: نقش مفعول / اسیر: نقش مسند.  
**قلمرو ادبی:** دل اسیر داشتن: کنایه از عاشق شدن / درد: استعاره از عشق / درد و دوا: تضاد و تناسب / واج آرای «د» و «ر».  
**قلمرو فکری:** پدرش فهمید که مجنون سخت گرفتار عشق است و درد او درمان‌ناپذیر است.

## کارگاه متن‌پژوهی درس ششم

www.my-dars.ir

**قلمرو زبانی:**

① معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

- جهد بر توست و بر خدا توفیق / زانکه توفیق و جهد هست رفیق ✓ ← جهد: تلاش، کوشش، سعی / توفیق: لطف، موافق گردانیدن
- خنیده به گیتی به مهر و وفا / ز اهریمنی دور و دور از جفا ✓ ← خنیده: مشهور، معروف، نامدار

② سال گذشته خواندیم که در شیوهٔ بلاغی، جای اجزای کلام در جمله، تغییر می‌کند، اما در متن آموزشی، مطابق با شیوهٔ عادی و نوشتار معیار، نهاد در آغاز جمله و فعل در پایان آن قرار می‌گیرد.

□ اکنون اجزای بیت زیر را مطابق زبان معیار مرتب کنید.

گفتند به اتفاق یک‌سر / کز کعبه گشاده گردد این در ✓ ← به اتفاق یک‌سر گفتند که این در از کعبه گشاده گردد.

③ در بیت‌های زیر، نقش «-م» را بررسی کنید.

الف) دریاب که مبتلای عشقم / آزاد کن از بلای عشقم

✓ «-م» در عشقم مصراع اول، فعل اسنادی به معنای «هستم» / «-م» در عشقم مصراع دوم، نقش مفعول دارد (مرا آزاد کن).

ب) پرورده عشق شد سرشتم / جز عشق مباد سرنوشتم

✓ «-م» در سرشتم مصراع اول و «-م» در سرنوشتم مصراع دوم، هر دو نقش مضاف‌الیه دارد (سرشت من - سرنوشت من).

### قلمرو ادبی:

① شاعران، در سرودن منظومه‌های داستانی، غالباً از قالب «مثنوی» بهره می‌گیرند؛ مهم‌ترین دلیل آن را بنویسید.

✓ زیرا منظومه‌های داستانی معمولاً طولانی هستند و از آن جایی که در قالب مثنوی هر بیت، قافیه جداگانه‌ای دارد،

شاعر در تنگنای قافیه قرار نمی‌گیرد و آزادانه‌تر می‌تواند به سرودن شعر خود بپردازد.

② هر یک از بیت‌های زیر را از نظر کاربرد آرایه‌های ادبی بررسی کنید.

□ چون رایت عشق آن جهان‌گیر / شد چون مه لیلی آسمان‌گیر

✓ رایت‌عشق: اضافه‌تثبیهی / جهانگیر: کنایه از مجنون / آسمان‌گیر شدن: کنایه از مشهور شدن و اغراق /

مه: استعاره از چهره / مه و آسمان: تناسب / چون و چون: جناس تام / رایت عشق مانند مه لیلی: تشبیه /

لیلی: ایهام تناسب: ۱. لیلی خانم (√) ۲. یک شب (X) که با ماه و آسمان تناسب دارد.

□ برداشته دل ز کار او، بخت / درماند پدر به کار او سخت

✓ دل برداشتن: کنایه از ناامید شدن / درماندن: کنایه از ناتوان شدن / بخت و سخت: جناس ناقص اختلافی /

بخت از کاری دل بردارد: تشخیص و استعاره / کار در مصراع دوم: استعاره از عشق / مصراع اول: کنایه از بدشانسی.

③ در بیت زیر، شاعر چگونه از تشبیه برای خلق کنایه بهره گرفته است؟

آمد سوی کعبه، سینه پر جوش / چون کعبه نهاد حلقه در گوش

✓ حلقه در گوش نهادن = کنایه از فرمانبرداری و مطیع بودن (مانند غلام حلقه به گوش)

### قلمرو فکری:

① معنی و مفهوم بیت زیر را به نثر روان بنویسید.

حاجت‌گه جمله جهان اوست / محراب زمین و آسمان اوست

✓ خانه خدا محل برآورده شدن نیاز همه مردم جهان و قبله‌گاه اهل زمین و آسمان است.

② در بیت‌های هفدهم و بیستم، کدام ویژگی‌های «مجنون» بارز است؟

✓ بیت هفدهم = وفاداری مجنون / بیت بیستم = فداکاری و از جان گذشتگی مجنون.

③ بر مبنای درس و با توجه به بیت‌های زیر، تحلیلی از سیر فکری پدر مجنون ارائه دهید.

□ عشق‌بازی، کار بیکاران بود / عاقلش با کار بیکاران چه کار؟

□ از سر تعمیر دل بگذر که معماران عشق / روز اول، رنگ این ویرانه، ویران ریختند

✓ چون پدر مجنون ابتدا گمان می‌کرد عاشقی، کاری بیهوده است، با هم فکری خویشاوندان و توسل به خانه کعبه،

سعی در درمان فرزندش داشت؛ اما با گذشت زمان متوجه شد که عاشق واقعی، از عشق‌رهایی ندارد و عقل در

میدان عشق، ناتوان است و فقط وصال معشوق می‌تواند عاشق را به آرامش برساند.

□ یک بار هم ای عشق من از عقل میندیش

بگذار که دل بکند مسئله‌ها را

✓ این بیت، نقطه مقابل تفکر خویشاوندان مجنون است؛ زیرا آن‌ها برای عشق در پی چاره‌ای عاقلانه بودند؛ در حالی که این بیت راه علاج و راه حل مشکلات را عشق می‌داند؛ بنابراین عقل و عشق در تقابل هستند.

### گنج حکمت: مردان واقعی

یکی از کوه لُکام به زیارت «سری سقطی» آمد. سلام کرد و گفت: «فلان پیر از کوه لُکام تو را سلام گفت.»  
سری گفت: «وی در کوه ساکن شده است؟ بس کاری نباشد. مرد باید در میان بازار مشغول تواند بود، چنان که یک لحظه از حق تعالی غایب نشود.»

**قلمرو زبانی:** لُکام: نام کوهی در نزدیکی لبنان / زیارت: دیدار / سری سقطی: یکی از عارفان مشهور / پیر: عارف، مرشد / بس: بسیار: مهم / حق تعالی: خداوند بلندمرتبه / غایب: بی خبر / کل بند: نه جمله / سلام: نقش مفعول / تو: نقش متمم / ساکن و کار و مشغول و غایب: نقش مسند.  
**قلمرو ادبی:** کوه و لُکام و سلام: آرایه تکرار / مرد: مجاز از انسان / بازار: مجاز از جامعه.

**قلمرو فکری:** شخصی از کوه لُکام به دیدار «سری سقطی» آمد، سلام کرد و گفت: فلان عارف از کوه لُکام به تو سلام فرستاد.  
سری گفت: آیا او در کوه زندگی می‌کند؟ این کار، ارزش و اهمیتی ندارد. انسان عارف باید در میان مردم جامعه مشغول کار و زندگی باشد، به گونه‌ای که حتی یک لحظه از یاد خدای بزرگ، غافل و بی خبر نباشد.

# مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir